

نقد عکس تیرماه 89

تقسیم می گردد:

گرم عکس

2- فضای سیاه و تیره ی عکس المانهای موجود در صحنه و همینطور نوع پوشش سوژه اصلی روایت یک زندگی ی غیر شهری را دارد. تقسیم شدن فضای عکس به دو قسمت از لحاظ رنگی روایتگر مفهومی است که در ذهن بیگانه نیست. نوشته های روی دیوار ، لباسهایی که آویزان شده ، محل پخت و ظرف غذا ، زن و نگاه او به دیگر سو نما یانگر داستان یک زندگی است. کلیات عکس: عکس از هر سمتی که شروع شود مفهومی در خور دو تفکر را به دوش می کشد.

1- از سمت راست و تفکر اول عکس از رنگ گرم شروع شده و به تیرگی پایان می یابد بیانگر اینکه این زندگی هایی که در چشم برخی پر از گرما و صمیمیت است سختی و ناهمواریهای بسیار هم در پی دارد که شاید در زندگیهای عادی شهری وجود نداشته باشد .

2- از سمت چپ و تفکر دوم عکس از رنگ تیره شروع شده و به رنگ گرم پایان می یابد بیانگر اینکه این زندگی هایی که در چشم برخی دیگر پر از سختی و ناهمواریست ، صمیمیت ، جوشش و گرمای خاص خودش را دارد که شاید در زندگی های عادی شهری وجود نداشته باشد جزئیات عکس: در میان عکس ستونی به چشم می خورد که بر روی آن لباسهایی از نوع مردانه آویزان است در پشت آن زنی که نشسته آرام و صبور و آماده به خدمت و نگاهش به دیگر سوست ، گویی هر آن انتظار کسی را می کشد آنطرفتر اجاقی و ظرفی از غذا ... نگاه آمیخته با انتظار زن ، جالباسی که مستر در لباسهای مردانه است و اجاق و ظرف غذا روایتگر این است که این زن خانواده ای دارد و به انتظار آنان ، این چنین آماده به خدمت نشسته، که از ابتدا اینگونه یاد گرفته و در نگاهش آثاری از نارضایتی نمی بینیم. نقطه ی قوت عکس: آنچه بیشتر از همه در این عکس قابل مشاهده است پرداختن به لایه های درونی انسان و نفوذ در آن با کمک گیری از نگاه ، نحوه ی نشستن و به کارگیری عناصر موجود در صحنه و همچنین رنگ است. رنگ در القا مفهوم این عکس نقش اصلی را ایفا می کند و به درستی به کار گرفته شده و مفهومی بودن عکس را تشدید می کند. کادربندی با تفکر و نهایت دقت انجام شده ، گرچه پرده ی نیمه ی سمت راست کمی قاب را به چالش کشیده است. و در نهایت پرداختن به سبک ریالیسم و اینکه هر کس با هر تفکری به این عکس نگاه کند ، روایت خودش را دارد و در هیچ ذهنی بیگانه نمی نماید، نقطه ی طلایی این است.

برای ثبت این عکس

× ریالیسم عکاسی این سبک که حاصل تقلید نقاشان از عکسهای فی البداهه بود خود تاثیر جدیدی بر کار عکاسان نهاد. این تاثیر گذاری مضاعف را در دوران اولیه عکاسی - یعنی تاثیر عکاسی بر ظهور امپرسیونیسم در نقاشی - نیز شاهد بودیم. از جمله ویژگیهای این سبک، سنت شکنی در ترکیب بندی عکس، انتخاب مضامین بسیار ساده، و حتی استفاده از عیوب و نواقص تکنیکی دوربین در ثبت عکس می توان نام برد. در مجموع می توان گرایش صریح آنها را با واقعیت وجه تمایز این سبک دانست "اواکوبینسکا"، "جان گری"، "هاد فیلد" و "یرژی کندر" از جمله عکاسان مشهور این هستند.

شادی آفرین آرش



باید برایتان بگویم که این تصویر صحنه ای از یک تیاتر است

شما نشسته اید در ردیف جلو و داستان دارد برای شما روایت می شود . نور محدودی از بالا سمت راست به محیط می تابد . نزدیک شما و درست در مکانی که بتوانید به راحتی یک شی رو تشخیص بدهید یک تنه ی درخت قرار گرفته است با بافت هایی دقیق و خشن البته نه آنقدر که ذهنتانرا آزار بدهد ... لباس مردانه ای با تا خوردگی ها و سایه روشن هایی منظم آویزان این چوب شده است

کافی است نگاهتان را کمی دورتر ببرید تا پارچه ای را ببینید که چین و چروک های لطیفش تا بالای سر یک زن ادامه دارد

اگر تصور می کنید که داستان درباره ی کوچه بن بست است که دیوار هایش دفتر خاطرات نوجوانان شده است و این زن انتهای این کوچه ی بن بست بی دلیل نشسته است!!!

باید بگویم در اشتباه هستید

اینجا یک خانه است .. خانه ی زنی که انتظاری نگاهش را به بیرون از صحنه ی نمایش هدایت می کند ..جایی در میان تاریکی ها

تمام عناصر این عکس با تفکر در کادر قرار گرفته اند و هر چند که متمایل کردن عکس به رنگ های گرم در بعضی از قسمت ها چشم رو اذیت می کند مخصوصا قسمت صورت خانمی که نشسته است اما این رنگ گرم به صمیمیت عکس کمک کرده است

انتخاب زاویه ی روایت گر و بی طرف در این عکس به دراماتیک بودن این عکس کمک زیادی کرده است و شاید همین انتخاب ها ی هوشمندانه تصور فضای یک تیاتر را برای ما تداعی میکند

براستی در میان انبوه عکس هایی که در این چند سال اخیر از روستا ها و مکان های واقع در حومه ی شهر گرفته شده سخت است پیدا کردن عکسی نو...ومن گمان می کنم گرفتن عکسی از یک کمد لباس بسیار آسانتر از گرفتن عکس از مکانی است که نسل های مختلف عکاسان آن را کشف کرده اند!!!

نسیم نظامی